

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۰۲

## واکاوی اعتبار سنجی اجماع مدرکی از منظر استاد آملی لاریجانی<sup>۱</sup> دام عزه

مهدی اخلاسی<sup>۱</sup>علی رضا مجدآراء<sup>۲</sup>

### چکیده

اجماع به عنوان یکی از منابع استنباط احکام شرعی از موضوعاتی است که از زمان شکل‌گیری با چالش‌های فراوانی همراه بوده است. از این رو، تلاش‌های زیادی برای تصحیح و ضابطه‌مند کردن آن صورت پذیرفته است. بر این اساس آنچه در نزد امامیه به عنوان مسئله‌ای بنیادین در اعتبار سنجی اجماع قلمداد می‌شود، کاشفیت آن از رأی معصوم است که این امر تنها در صورت اتفاق فقیهان هم عصر با اصحاب ائمه قابل دستیابی است، زیرا چنین اتفاقی، کاشف از مسلم بودن حکم بیان شده و ارتکازی بودن آن است. آنچه شایسته تحقیق است، چگونگی کشف نظر معصوم علیه السلام از اتفاق فقیهان است، با بررسی متون دینی می‌توان به آراء متفاوتی دست یافت به طوری که برخی تنها به اجماعاتی تکیه می‌نمایند که تعبدی باشند و مواردی را که در آنها مدرک اجماع معلوم بوده و یا احتمال استاد به مدرک در آنها وجود دارد، از اعتبار ساقط می‌دانند. عده‌ای دیگر نیز با التفات به مسئله مدرکی بودن اجماع، همچنان از آن به عنوان عاملی در راستای استنباط احکام بهره برده‌اند. در این میان برخی فقها همچون استاد آملی لاریجانی بر این باورند که نمی‌توان از مدرکی بودن به عنوان عاملی انحصاری در اعتبار سنجی اجماع بهره برد، بلکه لازم است ابعاد مختلفی از اجماع مورد واکاوی قرارگیرد. از این رو خصوصیتی همچون اتصال به زمان معصوم علیه السلام، مورد ابتلا بودن، عقلائی بودن احتمال و در نهایت، کیفیت بیان حکم در لسان فقیهان، به عنوان عواملی تأثیر گذار در اعتبار سنجی اجماع مورد واکاوی و تبیین قرار گرفت.

**واژگان کلیدی:** اجماع حدسی، اجماع تعبدی، اجماع مدرکی، محتمل بودن مستند، مورد ابتلا.

۱. پژوهشگر مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام و دانش آموخته درس خارج حوزه علمیه قم، ekhlasi.m<sup>۹۷</sup>@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی، قم، a.majdara<sup>۰۰۷</sup>@gmail.com

## مقدمه

یکی از موضوعات مهم در فرایند استنباط احکام شرعی، دلیل اجماع است. با نگاهی به متون اولیه فقه می‌توان به پیشینه طولانی اجماع و میزان تأثیرگذاری آن در اثبات احکام شرعی دست یافت. از این رو، تلاش‌های فراوانی از سوی متفکرین اسلامی برای اعتبار بخشی آن صورت پذیرفته است که تقسیم اجماع از جهت وجود یا عدم وجود مستند، نمونه‌ای از آن به شمار می‌رود. شایان ذکر است که توجه به مدرکی بودن اجماع مسئله‌ای نوظهور به حساب نمی‌آید، بلکه با تأملی در کلمات فقیهان متقدم می‌توان به رگه‌هایی از آن دست یافت (ر.ک: شیخ طوسی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۶۳۹؛ علامه حلی، ۱۴۲۵، ج ۳، ص ۲۵۵) اما آن چه که می‌توان از آن به عنوان امری نوپیدا یاد کرد، ره آورد منفی معلوم یا محتمل بودن مستند اجماع کنندگان در لسان متأخرین است (میرزای قمی، ۱۴۳۰، ج ۲، ص ۴۳۲؛ نائینی، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۱۵۱). متأخرین در صورت معلوم بودن مستند اجماع کنندگان، از آن به عنوان اجماع مدرکی یاد کرده و در مقابل اگر مستندی برای اجماع یافت نشود، تعبیر اجماع تعبدی به کار می‌رود. سوال محوری آن است که این تقسیم بندی چه تأثیری در فرایند حجیت اجماع دارد؟ آیا در صورت معلوم بودن مدرک و مستند مجمعین، کاشفیت اجماع از نظر معصوم علیه السلام با مشکل روبه رو می‌شود؟

با نگاهی به متون فقهی و اصولی می‌توان گفت که اگر چه در نگاه برخی مستندمند بودن اجماع، ضرری را متوجه آن نمی‌کند، اما مشهور متأخرین اجماعاتی را که احتمال مدرکی بودن در مورد آنها وجود داشته باشد، بی اعتبار دانسته و کاشفیتی برای آن قائل نیستند. در این میان می‌توان به دیدگاه دیگری نیز دست یافت که با نگاهی عمیق‌تر به نهاد اجماع نگریسته و گذر از اجماعات قدمایی و بی‌توجهی به آن را خطایی بنیادین در روش استنباط قلمداد می‌نماید. این دیدگاه که شالوده آن در درس «وقف» استاد آملی لاریجانی مورد تبیین واقع شده است؛ خصوصیات را برای بررسی یک اجماع مطرح می‌نماید که با در نظر گرفتن آنها نمی‌توان به سادگی از حجیت دلیل اجماع، آن

هم تنها با استناد به مدرکی بودن چشم پوشی کرد. اگر چه فقیهان امامیه برای حجیت بخشی به اجماع، آن را در وجوه و مبانی مختلفی به تصویر کشیده‌اند (ر.ک: شیخ انصاری، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۱۹۲) که بر اساس هر یک مدرکی بودن نمودی خواهد داشت، اما از آن جایی که بسیاری از این مبانی امروزه به واسطه مناقشاتی که در مورد آنها طرح شده است، قائلی نداشته و تنها مبنای اجماع حدسی است که همچنان در مدار بحث باقی مانده است، در ادامه بحث مدرکی بودن و اثرگذاری آن بر روند اجماع، بر محور اجماع حدسی مورد واکاوی قرار می‌گیرد. از همین رهگذر در نوشتار پیش رو بعد از تعریف مفاهیم اصلی به تبیین ویژگی‌هایی پرداخته می‌شود که لازم است در اعتبار سنجی اجماع مورد نظر قرار گیرد.

در پیشینه این تحقیق اگر چه مقالات مرتبط با این موضوع همچون «بازخوانی حجیت اجماع مدرکی» (شاکری، ۱۳۹۵، ص ۲۸-۳۹) از محقق محترم جناب بلال شاکری موجود است، لکن رویکرد تحلیلی با تأکید بر نظرات استاد آملی لاریجانی از امتیازات پژوهش حاضر است که با روش توصیفی و تحلیلی به واکاوی اعتبارسنجی اجماع مدرکی پرداخته است.

## ۱- مفهوم شناسی

### ۱-۱- اجماع

واژه اجماع در لغت به معنای «محکم کردن نیت، اراده و قصد» آمده است (ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۲۹۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۷، ج ۸، ص ۵۷). راغب «یکی بودن آراء و افکار» را معنای اجماع می‌داند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۰۱). طریحی نیز به بیان معانی همچون «اتفاق، اراده و عزم بر انجام کاری» پرداخته است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۳۱۷). اتحاد در رأی معنای دیگر این واژه است (بستانی، ۱۳۷۵، ص ۱۸). در معنای اصطلاحی نیز اجماع به معنای اتفاق جماعتی از علماست که کاشف از رأی معصوم علیه السلام باشد (میرزای قمی، ۱۴۳۰، ج ۲، ص ۲۳۳؛ بروجردی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۸۰). نکته‌ای که به وضوح در تعریف امامیه نمایان است، نقش «کاشفیت اتفاق» از رأی معصوم علیه السلام

است به طوری که تمامی اعتبار اجماع در نزد ایشان بر مدار این «قید» تعریف شده است. (شیخ انصاری، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۱۸۵؛ آخوندخراسانی، ۱۴۰۹، ص ۲۸۸؛ مظفر، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۹۷).

### ۲-۱- اجماع حدسی

یکی از مبانی تقریر اجماع که مورد اقبال متأخرین قرار گرفته است، تبیین اعتبار سنجی اجماع در قالب نظریه «اجماع حدسی» است. در این مبنا از راه تحصیل اتفاق علما در یک مسئله، نظر و رأی امام علیه السلام حدس زده می‌شود؛ به این صورت که همیشه بین اتفاق مرئوسین بر امری و رضایت رئیس آنها نسبت به آن امر، ملازمه عادی وجود دارد (عراقی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۹۷)، به بیان دیگر شیوع گسترده یک حکم و نظر در میان مردم، می‌تواند زمینه ساز شکل‌گیری حدسی قطعی، نسبت به «قانون بودن» این حکم باشد، که خود حاکی از رضایت قانون‌گذار است (امام خمینی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۵۷).

### ۳-۱- اجماع مدرکی

از تقسیمات اجماع، تبعدی یا مدرکی بودن آن است. اساس این نگاه بر پایه وجود و یا عدم وجود مدرک و مستند در شکل‌گیری اجماع صورت پذیرفته است به طوری که اگر اتفاق اجماع کنندگان بر محور مستندی تحقق یافته باشد از آن به عنوان اجماع مدرکی یاد می‌شود (نائینی، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۱۵۱). بنابراین اجماع مدرکی اجماعی است که مدرک و مستند آن در دسترس بوده و یا ممکن است که مجمعی به آن مستند اعتماد کرده باشند.

### ۲- بازخوانی حجیت اجماع مدرکی

طرح اجماع به عنوان یکی از منابع استنباط احکام شرعی با چالش‌های حجیتی بنیادینی مواجه بوده است که نگرش‌های متفاوت فقیهان و طرح مبانی مختلف حاکی از آن است. اما آن چه که در این میان به عنوان وجه مشترک تمامی مبانی قابل توجه است، عدم نگاه استقلالی به دلیل اجماع است. به عبارت دیگر اجماع به خودی خود در نزد امامیه اعتباری نداشته و کاشفیت آن از قول معصوم علیه السلام باعث ارزشمندی و حجیت آن

می‌شود. از این رو، صرف اتفاق و هم رأیی فقیهان نشان‌گر حقانیت آن نیست. از همین رهگذر نکته کلیدی در نگاه امامیه، شیوه کشف قول معصوم علیه السلام از چنین اتفاقی است که در نگاه بسیاری تحقق آن منحصر در اتفاق فقیهان بدون دخالت امر دیگری است که از آن با عنوان اجماع تبعدی یاد می‌شود. بر این اساس در نگاه عده‌ای از فقیهان و اصولیین، اجماعی که مستند شکل‌گیری آن معلوم و یا احتمال تکیه فقیهان بر مدار مستندی، وجود داشته باشد، مورد مناقشه واقع شده است (شیخ انصاری، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۹۲، حائری اصفهانی، ۱۴۰۴، ص ۴۴، آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ص ۳۴۲ و ۴۲۶، آخوند خراسانی، ۱۴۱۰، ص ۱۲۳) به طوری که برخی حجیت چنین اجماعی را به طور مطلق منکر بوده و اعتباری برای آن قائل نیستند (خویی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۱۶۳). دلیل چنین مخالفتی نیز آن است که در ساختار اجماع حدسی، زمانی می‌توان از اتفاق فقیهان عصر شیخ طوسی، ابن ادریس یا ابن زهره، دیدگاه اصحاب ائمه علیهم السلام را کشف نمود و از رهگذر این تلقی، به دیدگاه امام علیه السلام دست یافت که دلیل و مدرکی در این میان وجود نداشته باشد، چرا که تنها در این صورت می‌توان این فرضیه را مطرح ساخت که حکم مورد اتفاق به عنوان امری «متسالم علیه» در میان اصحاب اهل بیت علیهم السلام و فقیهان بعد از ایشان مطرح بوده است. به دیگر سخن، گویی حکم مورد اجماع به مثابه حکمی ارتكازی و غیر قابل تشکیک در میان عصر اصحاب ائمه علیهم السلام و فقیهان ظهور و بروز داشته است و از همین روی در نقل چنین حکمی نیازی به ذکر مستند نبوده است. اگر چه با نگاهی دقیق‌تر باید گفت که همین ارتكاز قطعی فراگیر، خود مستند اجماع به شمار می‌رود که به فقیهان نسل بعد انتقال یافته است. حال با قبول چنین مبنایی بدیهی خواهد بود که اگر از سوی مجمعین، مدرکی به عنوان مستند ذکر شود؛ ماهیت مبنای اجماع حدسی که بر کشف بنا شده است را متزلزل می‌سازد، چرا که مدرک تعریف شده ارتكازی بودن حکم را در میان اصحاب و فقیهان گذشته با ابهام مواجه می‌سازد و به آن رنگ و بوی حکمی بر آمده از استنباط و اجتهاد می‌بخشد (ر.ک: نائینی، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۱۵۱). در مقابل برخی از فقیهان همچون استاد آملی لاریجانی بر این باورند که

تنها وجود مستندی هم آوا با حکم ثابت شده از رهگذر اجماع، نمی‌تواند به عنوان عاملی انحصار گونه برای اعتبار سنجی اجماع در نظر گرفته شود؛ چرا که گاه می‌توان به قرائن و ضمائم دست یافت که با لحاظ آنها وجود مدرک تأثیری منفی در کاشفیت اجماع از رأی امام علیه السلام ندارد. به بیان دیگر، در مواجهه با اجماعاتی که احتمال مدرکی بودن در مورد آنها وجود دارد، نباید به این احتمال اکتفا کرده و اجماع را از دایره مستندات حکم شرعی خارج نمود، بلکه نگاه به ابعاد اجماع و نگرش جامع به موقعیت حکم مورد بحث، از لوازم ضروری در فرایند استنباط حکم از مجرای اجماع است. از این رو، در ادامه به بیان خصوصیات و ویژگی‌هایی پرداخته می‌شود که در مواجهه با اجماع، لازم است مورد توجه قرار گیرد.

## ۲-۱- لزوم اتصال حکم به زمان ائمه علیهم السلام

یکی از شروط اساسی در حجیت اجماع مدرکی اتصال اجماع به زمان معصوم علیه السلام است. بنابراین در صورتی اجماع ارزشمند قلمداد می‌شود که تلقی شده از گفتار معصوم علیه السلام و یا مورد تقریر ایشان باشد. به عبارت دیگر امتداد اجماع و استمرار آن تا زمان حضور امام علیه السلام بیان گر این مهم است که وحدت و هم‌رأیی فقیهان متأخر امری نوظهور نبوده و ریشه در اعصار پیش از آنها دارد، به طوری که در زمان امام معصوم علیه السلام نیز این وحدت دیدگاه و اتفاق نظر در میان اصحاب ایشان وجود داشته است و از آن جایی که همیشه بین اتفاق مرئوسین بر امری و رضایت رئیس آنها نسبت به آن امر، ملازمه عادی وجود دارد، می‌توان ادعا نمود که «حکم متسالم علیه» تلقی شده از امام معصوم علیه السلام است (آملی لاریجانی، جلسه ۵۷، ۱۳۹۹).

## ۲-۲- مورد ابتلا بودن

از قرائن مهمی که با تکیه بر آن، صرف مدرکی بودن نمی‌تواند عاملی تضعیف کننده به حساب آید، «مورد ابتلا بودن» مسئله مورد اجماع است. در احکامی که به صورت جزئی و فرعی مطرح می‌شود، امکان کشف دیدگاه معصوم علیه السلام با مشکل مواجه است؛ چرا که در احکامی که فراگیر نیست، امکان دست یابی به اتفاق فقیهان پیشین امری

دشوار می‌نماید و بر همین اساس احتمال وجود مستند و مدرک به عنوان عاملی مضر برای حجیت اجماع قلمداد می‌شود، اما در مسائل کلی و عام البلوی مانند «وقف» که کثرت سؤالات و احکام مطرح شده در گستره روایات حاکی از شیوع و ابتلای فراوان مردم به آن است، نمی‌توان از اجماعات وارد شده در آن به سادگی و به صرف مدرکی بودن گذشت، چرا که از رهگذر چنین قیدی دو نکته کلیدی به دست می‌آید:

الف/ در پرتو فراگیر بودن ابتلای یک مسئله، می‌توان گفت که گزارش اجماع و اتفاق فقیهان در مورد آن، بیانگر نبود حکمی مخالف در مسئله است.

ب/ اثرگذاری مبتلی به بودن یک مسئله در زمان اهل بیت علیهم‌السلام و اصحاب ایشان در حدی است که مانع شکل‌گیری دیدگاهی مخالف در عصرهای بعد می‌شود. به دیگر سخن نمی‌توان پذیرفت که اجماعی در عصر شیخ طوسی شکل گرفته که مخالف حکمی است که در زمان اصحاب ائمه علیهم‌السلام و فقیهان قبل شیخ طوسی شایع بوده و از امام معصوم تلقی شده است. براین اساس عدم تجلی نظر اصحاب ائمه علیهم‌السلام که متلقات از امام معصوم علیه‌السلام است، در نظرگاه فقیهان نسل‌های بعد و در نتیجه اتفاق ایشان بر نظری مخالف، توجیهی نخواهد داشت. شایان توجه آن که بیان مستندات توسط فقیهان متأخر اثری بر فرایند مذکور ندارد.

با عنایت به آن چه گذشت، در ابوابی مانند «وقف» که کثرت سؤالات و احکام مطرح شده در گستره روایات حاکی از شیوع و ابتلای فراوان مردم به آن است، اگر اجماعی مبتنی بر «بطلان وقف مدت دار» توسط فقیهانی همچون شیخ طوسی نقل گردید؛ نمی‌توان به صرف احتمال مدرکی بودن و یا شکل‌گیری آن در زمان‌های متأخر از زمان حضور معصوم علیه‌السلام، از اثربخشی اجماع مذکور و کاشفیت آن چشم پوشید (آملی لاریجانی، جلسه ۵۸، ۱۳۹۹).

### ۲-۳- عقلائی بودن احتمال

در نگاه بسیاری از ناقدین اجماع همین که «احتمال» وجود مدرک و مستند، برای یک اجماع مطرح شود، باعث خروج آن از مدار استدلال می‌شود. از این رو، نمی‌توان چنین

اجماع «محمتمل المدرکی» را به عنوان یک دلیل مستقل مورد استناد قرار داد. نکته ای که در این فرایند می بایست مورد توجه قرار گیرد، میزان «حجیت» چنین احتمالی است. به عبارت دیگر احتمال مذکور باید عقلانی بوده و از منشأ واقعی برخوردار باشد، از این رو با نگاهی به کاربست این واژه در لسان فقیهان و اصولیین (شیخ انصاری، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۳۶۶؛ مشکینی، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۹۷؛ خویی، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۱۴۳؛ شهید صدر، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۳۴۷) می توان دریافت که هر گونه احتمالی منشأ اثر نبوده و نمی توان از آن در تضعیف اجماع بهره برد، بلکه لازم است «احتمالی» که در پرتو آن اجماع به مدرکی بودن متصف می شود، عقلانی و مورد اعتنا باشد، به گونه ای که وجود آن از میان برنده اطمینان و در نهایت باعث تحیر و تردد در هسته اصلی شکل گیری اجماع (ارتکازی بودن حکم) شود. براین اساس، وجود احتمالاتی صرفاً ذهنی و بدون همراهی قرائن خارجی قابل اعتماد نبوده و عاملی مؤثر در تضعیف اجماع قلمداد نمی شود. برای روشن شدن این موضوع، به نمونه ای از اجماعات قدمایی که در باب وقف مطرح گردیده؛ اما به واسطه احتمال مدرکی بودن آن بی اثر قلمداد شده است، اشاره نموده و با رجوع به متون فقهی بی اساس بودن احتمال مذکور تبیین می شود. بدین منظور در باب وقف فقیهان شروطی را برای صحت وقف بیان داشته اند که «دوام و استمرار» از جمله آنهاست. آن گاه در مقام مستند سازی این شرط اساسی به ادله ای همچون اجماع تمسک کرده اند. در این میان برخی از فقیهان با طرح احتمال مدرکی بودن اجماع، در مقام مناقشه برآمده اند (آخوند خراسانی، ۱۴۱۳، ص ۳۱ و ۳۲؛ طباطبایی قمی، ۱۴۲۶، ج ۹، ص ۴۵۱) و این در حالی است که با مراجعه به کلمات قائلین به اجماع نمی توان منشأ عقلانی برای احتمال مدرکی بودن در نظر گرفت، در ادامه با ذکر برخی از عبارت ها این مطلب وضوح بیشتری خواهد یافت. شیخ طوسی در بطلان وقف مدت دار می نگارد: «علی المسألة إجماع الفرقة وأخبارهم» (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۵۴۸). در کلام ابن زهره نیز آمده است: «و یدل علی صحة ما اعتبرنا من الشروط بعد إجماع الطائفة، أنه لا خلاف في صحة الوقف و لزومه إذا تكاملت» (ابن زهره ۱۴۱۷، ص ۲۹۸). ابن



ادریس نیز به این مطلب تصریح کرده است: «و يدل على صحّة ما اعتبرناه من الشروط - بعد إجماع أصحابنا - أنه لا خلاف في صحّة الوقف و لزومه إذا تكاملت» (ابن ادریس، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۱۵۷).

با تأمل در عبارت و ساختار جملات فقیهان در بیان مستندات حکم صادر شده از سوی ایشان، به روشنی می‌توان دریافت که تسمک به اجماع دلیلی مستقل به حساب می‌آید (مخصوصاً با دقت بر کاربرد کلمه «بعد») و ذکر مستند دیگر بعد از تمامیت دلیل اجماع صورت پذیرفته و دلیلی مازاد است، بنابراین احتمال مدرکی بودن اجماع ذکر شده؛ احتمالی است که دور از واقع و بدون منشأ عقلانی است. در نتیجه اجماع ادعا شده بر پایه همان ارتکاز مسلمی است که در میان فقیهان بوده است (آملی لاریجانی، جلسه ۵۹، ۱۳۹۹).

#### ۲-۴- تکیه فقیهان متقدم بر اجماع در صدور حکم

از دیگر نکاتی که باعث قوت بخشیدن به حجیت اجماع مدرکی می‌شود، فتوای برخی از فقیهان متقدم است که اگر چه هیچ نامی از اجماع نبرده‌اند، اما می‌توان اطمینان یافت که صدور فتوای از ناحیه ایشان بر اساس اعتماد به تسالمی بوده که در میان فقیهان گذشته وجود داشته است؛ در غیر این صورت چگونه می‌توان باور داشت که فقیهانی در عهد ابن ادریس، ابن زهره و یا فقیهانی از نسل محقق حلی، مستنداتی غیر از اجماع در اختیار داشته، اما نام و ذکر از آن به میان نیاورده‌اند. بنابراین فراگیر و ارتکازی بودن و در نهایت مسلم انگاری، خود منشأ صدور فتوی توسط فقیهان در اعصار مختلف بوده است (آملی لاریجانی، جلسه ۶۰، ۱۳۹۹).

## نتیجه‌گیری

اجماع مدرکی یکی از اقسام اجماع به شمار می‌رود که احتمال وجود مدرک در آن باعث مناقشاتی در اعتبار سنجی آن شده است به گونه‌ای در نگاهی بسیاری چنین اجماعی قابلیت کشف از دیدگاه معصوم علیه السلام را ندارد. اما در این میان برخی از فقها معاصر همچون آیت الله لاریجانی برآنند که نمی‌توان بر این کلیت پای فشرد که با وجود چنین احتمالی اجماع از حجیت ساقط شده و نتوان از آن در مدار استنباط حکم شرعی بهره برد، بلکه با انضمام قرائنی همچون اتصال به زمان معصوم علیه السلام، مورد ابتلا بودن مسئله، کیفیت کاربست اجماع در کلام فقیهان و بررسی منشأ احتمال، می‌توان به صحت اجماع و ارزشمندی آن معتقد بود و لو در این میان به مستندات نیز اشاره شده باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## فهرست منابع

۱. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد (۱۳۶۷ش). *النهاية في غريب الحديث والأثر*. چاپ چهارم. قم: بی‌نا.
۲. ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد (۱۴۱۰ق). *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*. چاپ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳. امام خمینی، روح الله (۱۴۱۵ق). *انوار الهدایة فی التعلیقة علی الکفایة*. چاپ دوم. تهران: بی‌نا.
۴. انصاری، شیخ مرتضی (۱۴۱۶ق). *فرائد الاصول*. چاپ پنجم. قم: موسسه نشر اسلامی (جامعه مدرسین حوزه علمیه قم).
۵. بستانی، فواد افرام (۱۳۷۵ش). *فرهنگ ابجدی*. چاپ دوم. تهران: بی‌نا.
۶. حائری اصفهانی، محمد حسین (۱۴۰۴ق). *الفصول الغروية فی الاصول الفقہیة*. چاپ اول. بی‌جا: دار احیاء العلوم الاسلامیة.
۷. حلبی، ابن زهره حمزة بن علی حسینی (۱۴۱۷ق). *غنية النزوع إلى علمی الاصول و الفروع*. چاپ اول. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۸. خراسانی، محمد کاظم (۱۴۱۳ق). *کتاب فی الوقف (للاخواند)*. چاپ اول. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۹. خراسانی، محمد کاظم (۱۴۰۹ق). *کفایة الاصول*. چاپ اول. قم: موسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۰. خراسانی، محمد کاظم (۱۴۱۰ق). *درر الفوائد فی الحاشیة علی الفرائد*. چاپ اول. بی‌جا: موسسه طبع و نشر (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی).
۱۱. خویی، ابوالقاسم (۱۴۲۲ق). *مصباح الاصول (طبع موسسه احیاء آثار السید الخوئی)*. چاپ اول. قم: بی‌نا.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *مفردات ألفاظ القرآن*. چاپ اول. بیروت - دمشق: بی‌نا.

۱۳. شاکری، بلال (۱۳۹۵ش). «بازخوانی حجیت اجماع مدرکی». مجله فقه و اصول، شماره ۱۰۶.
۱۴. طریحی، فخر الدین بن محمد (۱۳۷۵ش). مجمع البحرین. چاپ سوم. تهران: بی‌نا.
۱۵. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). الخلاف. چاپ اول. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۶. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۷ق). العدة فی أصول الفقه. چاپ اول. قم: بی‌نا.
۱۷. عراقی، ضیاء‌الدین (۱۴۱۷ق). نهاية الأفكار. چاپ سوم. قم: بی‌نا.
۱۸. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۵ق). نهاية الوصول الی علم الأصول. چاپ اول. قم: بی‌نا.
۱۹. سید تقی طباطبایی (۱۴۲۶ق). مبانی منهاج الصالحین. چاپ اول. قم: منشورات قلم الشرق.
۲۰. مظفر، محمد رضا (۱۳۷۵ش). أصول الفقه (طبع اسماعیلیان). چاپ پنجم. بی‌جا: بی‌نا.
۲۱. میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمدحسن (۱۴۳۰ق). القوانین المحكمة فی الأصول (طبع جدید). چاپ اول. قم: بی‌نا.
۲۲. میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمدحسن (۱۴۳۰ق). القوانین المحكمة فی الأصول (طبع جدید). چاپ اول. قم: بی‌نا.
۲۳. تقریر جلسات ۵۷-۶۰ درس خارج آیت الله آملی لاریجانی، تاریخ ۱۳۹۹/۱/۲۳-۱۳۹۹/۱/۳۰.